

*Bi-Quarterly specialized-  
scholarly journal Of Quranic  
Studies Light of Revelation Vol.5,  
No. 10,  
Autumn & Winter 2020  
P 101 - 126*

دو فصل نامه علمی-تخصصی  
مطالعات قرآن پژوهی نور وحی  
س ۵ ش ۱۰ پاییز و زمستان ۱۳۹۹  
صفحات ۱۰۱ - ۱۲۶

### معناشناسی واژه ولایت از منظر قرآن

محمد نظیر عرفانی\*

#### چکیده

بی تردید فهم و دریافت معانی قرآن، بدون شناخت و درک معانی واژگان، ممکن نیست با توجه به چنین ضرورتی، این پژوهش، با استفاده از روش تحلیلی توصیفی و استخراج شواهد بر اساس معناشناسی، به توصیف و تحلیل معنایی واژه «ولی» پرداخته و با استناد به آیات، روایات، دیدگاه لغویین و مفسران، به این نتیجه رسیده است که ولایت در لغت به معنی قرار گرفتن چیزی در کنار چیزی دیگر به نحوی که فاصله‌ای در کار نباشد آمده است و به همین جهت در معانی قرب، تدبیر و سرپرستی، نصرت و محبت بکار می‌رود، در اصطلاح قرآن و روایات، ولایت به یک نحوه قربی که باعث مجوز تصرف، سلطه و مالکیت می‌شود، اطلاق می‌گردد. ولایت در قرآن به دو قسم ولایت رحمانی و ولایت شیطانی تقسیم می‌شود. با استناد به آیه ۵۵ سوره مائده تمام شئون ولایت تکوینی و تشریحی در مورد پیامبر (ص) و معصومین (ع) به اثبات

---

\*. دانش پژوه دکتری قرآن و علوم اجتماعی، جامعه المصطفی العالمیه،

می‌رسد، بیشتر مفسران اهل سنت با الغای خصوصیت از مورد نزول آیه درباره تصدق انگشتر امام علی (ع) به فقیر، به عمومیت مفاد آیه معتقدند و ولایت را به معنی نصرت و یا محبت گرفته‌اند. ولایتی که در قرآن و روایات به ائمه (ع) نسبت داده شده صرف رفاقت و محبت نیست بلکه شامل سرپرستی و زمامداری امور دینی اعم از ظاهری و باطنی، جسمی و روحی، دنیوی و اخروی، مادی و معنوی، عبادی و اجتماعی می‌شود. مسائلی که همه از شئون دین اسلام هستند و از اموری‌اند که پیامبر (ص) بر آن ولایت داشته است.

**واژگان کلیدی:** ولی، ولایت، آیه ولایت، ولایت رحمانی، ولایت تکوینی، ولایت تشریحی.

### مقدمه

از مسائلی که مورد نیاز است تا مورد دقت و کنکاش علمی قرار گیرد بحث معنا شناسی ولایت است زیرا برخی اینگونه برداشت نموده‌اند که ولایت منحصر و محدود به محبت و مودت نسبت به اهل بیت (ع) است در صورتی که با معنا شناسی واژه ولایت و مراجعه و استناد به آیات و حینانی و احادیث معصومین (ع) روشن می‌گردد که در ارتباط با ولایت بحث دیگری هم مطرح هست که یکی از مهم‌ترین آن‌ها مسأله رهبری امت اسلام بعد از پیامبر اکرم (ص) است که به اعتقاد شیعه به امر خدا و پیامبر (ص) بر عهده امامان دوازده گانه می‌باشد.

بدین جهت در این مقاله سعی بر این است که به معناشناسی واژه ولی و ولایت

بپردازیم.

## مفهوم شناسی

### ۱. ولایت در لغت

ولایت از ماده «ولی» می‌باشد و این ماده از سه حرف «و، ل، ی» تشکیل شده است که به معنی از پی هم در آمدن، کنار هم بودن، سرپرستی داشتن، یاری نمودن و دوست داشتن می‌باشد.

جوهری می‌گوید: ماده ولی به معنی قرب و نزدیک است، گفته می‌شود: بعد از نزدیک شدن دور شد ... هر کس کار کسی را بر عهده بگیرد و ادا کند ولی آن است (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۸)؛ مقایس (ابن فارس، ۱۴۲۲، ص ۱۰۴۶) و مصباح (فیومی، ۱۴۰۵، ج ۱۰، ص ۱۵۲) هم همین را گفته‌اند، راغب اصفهانی می‌گوید: «ولاء و توالی» به معنی قرار گرفتن چیزی در کنار چیز دیگر به نحوی که فاصله‌ای در کار نباشد آمده است، وی درباره ولایت چنین گفته است: «ولایه (بکسر واو) به معنی نصرت اما ولایت (بفتح واو) به معنی تصدی و صاحب اختیار یک کار است و گفته شده معنای هر دو یکی بوده و حقیقت آن همان تصدی و صاحب اختیار است» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶، ص ۵۳۳)

و همین طور ابن منظور هم برای ماده ولی معنی تدبیر کننده و صاحب اختیار را بیان کرده است: «ولی کسی که برای تدبیر و اداره یتیم یا زن به آنان نزدیک شود و به امور آنان مبادرت می‌ورزد» (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۵، ص ۴۰۷)

در اقرب الموارد آمده است: ولی عبارت است از قرار گرفتن فرد یا چیز دوم، به دنبال فرد یا شئی اول بدون فاصله. «وَلِی الشَّیْءِ وَ عَلَیْهِ وَ لَایَةٌ وَ وَ لَایَةٌ» یعنی مالک امر آن

شده بر آن قیام کرد یا آنکه ولایت با فتح و کسر هر دو به معنای امارت و سلطنت است. (الخوری، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۸۳۲)

مصطفوی می‌گوید: ماده ولی به معنی پشت سر دیگری واقع شدن است البته بین این دو چیز رابطه‌ای باشد یعنی هر پشت سر هم واقع شدن را ولی نمی‌گویند بلکه علاوه بر پشت سر هم واقع شدن رابطه هم داشته باشند. (مصطفوی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۲۰۲-۲۰۳)

با توجه به سخنان لغت شناسان معلوم می‌شود که معنای اصلی و حقیقی ولایت همان قرب است اما به صورت کلی، فرد اکمل و اظهر آن همان امارت و سلطنت می‌باشد، منتهی این قرب موجود در امارت یک قرب خاصی است که موجب اولویت به تصرف و سلطنت می‌گردد.

#### مشتقات واژه ولی

مشتقات این ماده در لغت عرب بسیار زیاد است و استعمالات گوناگونی دارد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. ولی: بر زون فلس؛ به معنی قرب و نزدیکی است. (فیومی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۶۷۲)

۲. ولی: به معنی سرپرست و اداره کننده امر و نیز به معنی دوست و یاری کننده می‌آید. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۴۷)

۳. تولی: باب تفعّل؛ به معنی دوست اخذ کردن و سرپرست می‌آید. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۴۶)

۴. مولی: به معنی سرپرست، متصرف، مالک، عبد، غلام، صدیق و ... است و وجه اطلاق مولی بر این معانی بخاطر این است که با انسان نزدیک و اولی‌اند و

مباشرت امر می‌کنند (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۴۶) و نیز به معنی اولی بکم هم استعمال شده است، چنانکه در قرآن مجید آمده: «مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمُ» (حدید/ ۱۵)؛ شما شایسته‌تر و اولی‌تر به آتش دوزخ هستید.»

مفسرین در ذیل آیه به این معنا تصریح کرده‌اند و به اشعار عرب استشهد کرده‌اند (قمی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۵۱ و قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۷، ص ۲۴۸) ابن بطریق می‌گوید: «حق این است که کلمه «مولی» بیش از یک معنی ندارد و آن اولی و سزاوارتر به یک چیز است.» (ابن بطریق، ۱۴۰۷، ص ۱۱۲)

۵. اولی: به معنی نزدیک‌تر و سزاوارتر است، چنانکه لغت شناسان اولی را به معنی احق به، احری و اجدر گرفته‌اند. (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۵).

ولایة: ولایت به کسر واو به معنی نصرت و به فتح واو بمعنی تولی امر است، بقولی هر دو به معنی تولی امر است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶، ص ۵۳۳). صحاح گفته: ولایت به کسر واو به معنی تسلط و به فتح و کسر واو به معنی نصرت و یاری است (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۵) و لسان از ابن سکیت هم همین را نقل کرده است. (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۵، ص ۴۰۷).

#### ۱. ولایت در اصطلاح

معنای اصطلاحی غالباً از معانی لغوی اقتباس و یا با آن تناسب خاصی و هماهنگی دارد، جایگاه ویژه ولایت در معارف بشری و کاربرد آن در علوم مختلف سبب شده است که این واژه معانی اصطلاحی متفاوتی داشته باشد که در ادامه به بررسی معانی اصطلاحی آن می‌پردازیم.

## ۱. ولایت در اصطلاح علم کلام

در علم کلام ولایت مترادف با امامت است که دانشمندان علم کلام در تعریف آن چنین گفته‌اند: یعنی ریاست همگانی و فراگیر بر جامعه اسلامی در همه امور دینی و دنیوی است. (ایچی، ۱۴۱۲، ص ۵۷۴)

مسئله ولایت و امامت یکی از مسائل متنازع میان شیعه و اهل سنت می‌باشد؛ زیرا اهل سنت امامت و ولایت را محدود به حاکمیت بر امور مسلمین و حکومت ظاهری می‌کنند اما شیعیان به چنین محدودیتی قائل نیستند. بلکه امامت و ولایت نزد آنان همان امتداد نبوت و رسالت است و همه شئونات که برای رسول اکرم (ص) ثابت است به جز نبوت برای امامت و ولایت نیز ثابت می‌باشد که حکومت ظاهری دنیوی یکی از شئونات آن است؛ لذا اندیشمندان شیعه برای امام و ولی شرایط ویژه‌ای از جمله، مصونیت از هر خطاء، داشتن علم خدادادی و منصوب شدن از طرف خداوند متعال و ... را ضروری و لازمی می‌دانند. امام و ولی‌ای که داری این مقام باشد، سخنان او در تبیین حقایق، قوانین و معارف اسلامی حجت است و همچنین واجب اطاعه می‌باشد. خداوند متعال بوسیله پیامبر اکرم (ص)، حضرت علی (ع) را در موارد متعدد از جمله در غدیر خم برای این منصب به‌عنوان جانشین بلافصل پیامبر (ص) نصب نمود و سپس یازده تن از فرزندان او یکی پس از دیگری برای تصدی امامت و ولایت تعیین و نصب فرموده است؛ اما اهل سنت معتقدند امامت الهی همانند نبوت و رسالت با رحلت پیامبر اکرم (ص) خاتمه یافت و از آن پس تعیین امام بر مردم واگذاشته شده است. (جرجانی، ۱۴۱۹، ص ۲۳۵).

## ۲. ولایت در اصطلاح فقه

ولایت در اصطلاح فقهی به معنای سلطه و حق تصرف به دیگری یا دیگران از لحاظ جانی یا مالی، یا هر دو به حکم عقل یا شرع به عنوان اصلی یا عرضی (به عنوان اولی یا ثانوی) می باشد. شیخ انصاری (ره) در بیان معنای اصطلاحی آن می فرماید: ولایت دو گونه تصور می شود: نخست استقلال ولی در مورد تصرف در اموال یا نفوس مولی علیه؛ دوم عدم استقلال دیگران در تصرف بدون اجازه او، به عبارت دیگر تصرف دیگران در اموال و نفوس مولی علیه منوط به اذن و اجازه اوست. (انصاری، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۵۴۶) همان طور که می بینیم حق مالکیت و سلطه در هر دو مورد نهفته است بدین سان معنای اصطلاحی ولایت در فقه با سایر معانی اصطلاحی ولایت تقارب و تناسب دارد.

## ۳. ولایت در اصطلاح عرفان

عرفاء در معنای اصطلاحی ولایت تعابیر مختلفی دارند، صدر المتألهین در تعریف اصطلاحی ولایت می فرماید: «ولایت عبارت است از قرب و نزدیکی به حق سبحان که در آن دارای خاص و عام می باشد، عام برای هر کس که ایمان آورد: «اللَّهُ وَكِي الَّذِينَ آمَنُوا» (بقره/ ۲۵۷) و خاص عبارت است از فنا در خداوند از جهت ذات، صفت و فعل، پس ولی آن کس است که فانی در خدا بوده و بر پا و متخلق به اسماء و صفات او باشد.» (شیرازی، ۱۳۸۷، ص ۸۱۶)

جامی ولایت خاص را مخصوص به واصلان ارباب سلوک دانسته و می گوید: «ولایت خاصه عبارت است از نهایت سیر الی الله و بقاء عبارت است از هدایت سیر فی الله چه اینکه سیر الی الله وقتی منتهی می شود که بادیه وجود را به قدم صدق یکباره بپیماید و سیر فی الله آنگاه محقق می شود که بنده را بعد از فنای مطلق وجودی، ذواتی

مطهر از لوث حدثان ارزانی دارد تا بدان در عالم انصاف به اوصافی الهی و تخلق به اخلاق ربانی ترقی کند.» (جامی، ۱۳۷۰، ص ۲۱۳)

سید جلال آشتیانی در تعریف ولایت چنین گفته است: «ولایت در اصطلاح عرفان عبارت است از حقیقت کلیه‌ای که شأنی از شئون ذاتیه حق و منشأ ظهور و بروز و مبدأ تعینات و متصف به صفات ذاتیه الهیه در حضرت علمیه است.» (آشتیانی، ۱۳۶۳، ص ۱۱)

با دقت در تعاریف فوق درمی‌یابیم که در همه این تعاریف رابطه‌ای مطرح است که در یک طرف آن ذات اقدس الهی و در طرف دیگر آن عبد فانی متخلق به اخلاق الهی وجود دارد، از آنجا که ذات حق منشأ و موجد همه خیرات است، ولایت در اصل از آن خدا و تجلی ذات اقدس الهی نسبت به ممکنات است، بدینسان ولایت خدا بالاصالة و ولایت بنده بالعرض است که باید منتهی به ولایت خدا شود.

#### ۴. ولایت در اصطلاح قرآن و روایات

در قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام) همان معنای لغوی ولایت با تناسب خاصی مدنظر گرفته است.

چنانکه امام صادق (ع) در تفسیر آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا» فرمودند: «یعنی اولی بکم ای احق بکم و امورکم و انفسکم و اموالکم» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۸۸) یعنی: مراد از ولی در این آیه کسی است که اولی به شما است یعنی سزاوارتر به شما در امورتان و جان و مالتان.

علامه طباطبائی (ره): بعد از بیان موارد استعمالات واژه ولی در قرآن مجید چنین می‌فرماید: معنی ولایت با توجه به موارد استعمالش عبارت است: از یک نحو قرب و



نزدیکی که باعث و مجوز از تصرف و مالکیت تدبیر می‌شود. (طباطبائی، ۱۴۲۱، ج ۶، ص ۱۲)

بنابراین ولایت در اصطلاح قرآن و حدیث به قرب معنوی خاصی اطلاق می‌شود که در بعضی موارد مطلوب است مانند: ولایت خداوند متعال و ولایت اولیاء الهی و در بعضی موارد منهی است مانند: ولایت شیطان و طاغوت.

ولایت مصطلح قرآنی یک مفهوم اضافی است به این معنی که این قرب ممکن است از یک طرف حاصل باشد و از طرف دیگر حاصل نباشد و بعد دوری باشد مثلاً: در ولایت عامه الهی، خدای سبحان به همه انسان‌ها نزدیک است، چنانکه می‌فرماید: «وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق/۱۶) ولی از طرف دیگر مؤمن به خاطر اطاعت خدا و عبادت او به خدا نزدیک است ولی کافر در اثر معصیت و ترک عبادت و نافرمانی او از او دور است. (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۲۰).

### اقسام ولایت

ولایت در قرآن کریم بر دو قسم تقسیم می‌شود. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۹، ص ۱۹) ۱- ولایت رحمانی ۲- ولایت شیطانی

#### ۱. ولایت شیطانی

ولایت شیطانی در مقابل ولایت رحمانی قرار دارد که از سوی قرآن کریم به رسمیت شناخته نشده است و از مؤمنان خواسته شده است که آن را نپذیرند، قرآن کریم صاحبان ولایت شیطانی را به دو عنوان معرفی کرده است: شیطان و طاغوت، در این باره می‌فرماید: «إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (اعراف: ۲۷) ما شیطان‌ها را اولیاء آنان قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند. و همچنین درباره ولایت طاغوت می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاءُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» (بقره / ۲۵۷) آنان که کفر ورزیدند اولیاءشان طاغوت است که آنان را از نور به ظلمت‌ها بیرون می‌برند. از آیات قرآن استفاده می‌شود که نتیجه پذیرفتن ولایت شیطان، عذاب اخروی (احزاب/ ۶۴-۶۵) و خسران مبین است. (نساء / ۱۱۹)

از نگاه قرآن کریم دوستی با کافران نیز در ردیف پذیرفتن ولایت شیطان است. خداوند متعال در آیات فراوان مسلمانان را از اینکه دوستی و سرپرستی غیرمسلمانان را بپذیرند سخت بر حذر داشته است. چنانکه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ» (مائده / ۵۱) و نیز می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمُودَةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ...» (ممتحنه / ۱).

## ۲. ولایت رحمانی

مراد از ولایت رحمانی، ولایتی است که از سوی قرآن به رسمیت شناخته شده است و از پیروان قرآن کریم خواسته شده است که آن را بپذیرند، این نوع ولایت از نگاه قرآن کریم اقسامی دارد که به آن خواهیم پرداخت.

### ۲-۱. مراتب ولایت رحمانی

ولایت رحمانی مراتبی دارد که بالاترین و کامل‌ترین آن ولایت مطلقه الهی است، در قرآن کریم علاوه بر ولایت الهی که مصداق کامل ولایت رحمانی می‌باشد سه نوع ولایت بشری نیز به رسمت شناخته شده است، در حقیقت آن سه نوع ولایت، از مراتب ولایت رحمانی است.

نوع اول: ولایت خاص رسول اکرم (ص) و امامان معصوم (علیهم السلام) و در زمان غیبت معصوم ولایت فقیه.

نوع دوم: ولایت اصناف خاص، مانند: اولیاء دم، اولیاء صغار و مجانین و اولیاء ارث

نوع سوم: ولایت عامه مؤمنان و مؤمنات در رابطه به این نوع ولایت در فصل بعدی به آیات مربوط به آن اشاره شده است.

#### ۲-۲. اقسام ولایت رحمانی

ولایت رحمانی بر دو قسم تقسیم می‌شود و هر کدام این دو قسم مراتب و درجاتی دارد.

#### ۲-۲-۱. ولایت تکوینی

ولایت تکوینی عبارت است از سلطه و قدرت تصرف و نفوذ اراده در عالم آفرینش ولایت تکوینی در مرحله اول برای خداوند متعال است. از آیات قرآن استفاده می‌شود که ولایت تکوینی در امور زیر به خداوند متعال اختصاص دارد.

۱. آفرینش جهان: خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ» (اعراف / ۵۴؛ یونس / ۳؛ سجده / ۴؛ حدید / ۴)

۲. حفظ و نگهداری دستگاه عظیم خلقت «وَلَا يُوَدُّهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» (بقره / ۲۵۵)

۳. تدبیر و اداره امور عالم «يَدَبِّرُ الْأُمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ» (سجده / ۵)

### ولایت تکوینی پیامبران و امامان معصوم (علیهم‌السلام)

از آیات قرآن و روایات معصوم (علیهم‌السلام) استفاده می‌شود که در روی کره زمین در هر زمانی انسان کاملی (به عنوان پیامبر یا امام) وجود دارد که با اجازه و اذن خداوند متعال و تکیه بر قدرت بی‌پایان الهی، نفوذ غیبی و ولایت تکوینی بر جهان دارد؛ این ولایت به دو صورت قابل تصور است. (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۳۵)

الف) قدرت تصرف در جهان هستی

منظور از این نوع ولایت تکوینی آن است که خداوند اراده و حکم انسان‌های کامل در جهان آفرینش نافذ قرار داده است این نوع ولایت تکوینی بدون هیچ شک و شبهه‌ای برای انسان کامل ثابت است و نمونه‌های فراوان از این نوع ولایت تکوینی را قرآن، از پیامبران گذشته نقل کرده است مانند:

حضرت سلیمان و یاران او که خداوند درباره آنها می‌فرماید: «وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ» (انبیاء / ۸۱) و همچنین درباره مذاکره سلیمان با یاران خود درباره آوردن تخت بلقیس می‌فرماید: «قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوا أَبْصَارِي بِعُرْشِي قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ - قَالَ عَفْرَيْتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِي أَمِينٌ - قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآه مُسْتَقَرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌ كَرِيمٌ» (نمل / ۳۸ - ۴۰)

و همچنین در رابطه معجزات حضرت عیسی (ع) و حضرت ابراهیم (ع) و حضرت پیامبر اکرم (ص) نیز آیاتی بیان‌گر همین ولایت می‌باشند. (آل عمران / ۴۹؛

بقره / ۲۶۰؛ قمر / ۱-۲)

ب) در اختیار داشتن مجاری تکوین

معنای دوم ولایت تکوینی آن است خداوند متعال مجاری امور تکوین را به انسان‌های کامل تفویض کرده است. ولایت تکوینی به این معنی به دو گونه می‌شود تفسیر کرد:

۱) تفویض امور عالم به انسان‌های کامل: یعنی خداوند تدبیر امور عالم را به آنان واگذر کرده است. این تفسیر را ولایت تکوینی با توحید افعالی خداوند ناسازگار است و از مصادیق روشن غلو می‌باشد. (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۳۷)

۲) واسطه فیض بودن انسان کامل: یعنی پیامبران و امامان معصوم (علیهم‌السلام) واسطه فیض الهی هستند و به برکت وجود آنان فیض الهی به موجودات عالم رسیده و تداوم فیض الهی نیز مرهون تداوم وجود حیات آنان است.

این معنا از ولایت تکوینی با توحید افعالی منافاتی ندارد و از آیات و روایات معصوم (ع) به روشنی استفاده می‌شود چنانکه در زیارت جامعه می‌خوانیم: «بکم فتح الله و بکم یختم و بکم ینزل الغیث و بکم یمسک السماء ان تقطع علی الارض الا باذنه و بکم ینفس الهم و یکشف الضر...» (صدوق، ۱۳۸۷، ص ۱۶۷)

## ۲-۲-۲. ولایت تشریحی

ولایت تشریحی پیامبران و امامان معصوم (علیهم‌السلام) به چند دسته تقسیم می‌شود.

### الف: ولایت تشریح احکام و تبیین آنها

حق تشریح و قانون‌گذاری برای پیامبر و امامان معصوم (علیهم‌السلام) به چند صورت می‌توان فرض کرد:

۱. خداوند تشریح و قانون‌گذاری را به طور مستقل به پیامبر و امامان تفویض کرده است؛ این فرض باطل است چنانکه علامه مجلسی (ره) می‌فرماید: هیچ عاقلی این سخن را نمی‌گوید و مورد قبول هیچ عاقلی نیست؛ زیرا پیامبر (ص) روزها به انتظار وحی می‌نشست تا پاسخ پرسشی را دریافت و سپس ارائه کند. (مجلسی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۴۶)

۲. خداوند برای اجرای احکام و ایجاد نظم و انتظام امور جامعه حق تشریح و قانون‌گذاری را به آن بزرگواران تفویض کرده است. ثبوت این فرض برای آنان قطعی و روشن است و نیازی به استدلال ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۴۴)

۳. خداوند قانون‌گذاری و تشریح را به گونه غیرمستقل نسبت به احکام شرعی دائمی یا احکام جزئی غیردائمی به معصومان (علیهم‌السلام) تفویض فرموده است.

این صورت جای گفتگو دارد عده‌ای از دانشمندان برای اثبات آن به آیات و روایات استدلال کرده‌اند. استدلالشان به آیاتی است که درباره ولایت مطلقه پیامبر (ص) و امام معصوم نازل گردیده و نیز آیاتی که بطور مطلق اطاعت این بزرگواران را واجب می‌کند، مانند: آیه «إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا» (مائده/۵۵) و آیه «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» (احزاب/۶) و آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَوْلِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء/۵۹) و روایاتی بسیار که به این مطلب دلالت می‌کند در منابع حدیثی موجود است از جمله روایاتی که واجبات را به فرض الله و فرض النبی (ص) تقسیم می‌کند و نیز روایاتی که از معصومین (علیهم‌السلام) به‌عنوان اخبار تفویض نقل شده است دال بر این معنا می‌باشد.

**ب: ولایت زعامت**

از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود که پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) از طرف خداوند دارای مقام ولایت و رهبری در تمام شئون سیاسی، اجتماعی اقتصادی و ... جامعه اسلامی‌اند و اطاعت از آنان در این مسائل همانند اطاعت خداوند واجب و مخالفت آنان حرام است.

**ج: ولایت تصرف**

برخی از دانشمندان به استناد اطلاق دلیل‌های مانند: «التَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (احزاب/۶) هیچ‌گونه حد مرزی برای ولایت معصوم قائل نبوده و معصومان (علیهم‌السلام) را بر کلیه اموال و همه نفوس دارای ولایت مطلقه می‌دانند. (طباطبایی، ۱۴۲۱، ج ۱۶، ص ۲۷۶)

**د: ولایت قضاوت**

خدای متعال می‌فرماید: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُوا بِمَا شَآءَ رَبُّهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (نساء / ۶۵).

**مفهوم ولایت در تفاسیر فریقین**

مفسران فریقین در ذیل آیه ۵۵ سوره مائده پیرامون واژه ولایت بحث نموده‌اند؛ خداوند در این آیه می‌فرماید: «إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (مائده/ ۵۵) «همانا ولی و سرپرست شما خدا و پیامبرش و کسانی‌اند که نماز به پا می‌دارند و در حال نماز زکات می‌پردازند»

این آیه شریفه در اصطلاح آیه ولایت نامیده می‌شود و بسیاری از اهل تفسیر، روایت و تاریخ، از آن به همین عنوان یاد کرده‌اند، البته در برخی موارد به نام، آیه

«زکات خاتم» (طبرسی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۲۵۱) یاد شده است. و تعبیر زکات خاتم از سخن امام علی (ع) در یکی از احتجاج‌های آن حضرت استفاده شده است. این آیه شریفه یکی از آیات قرآن کریم است که بر ولایت و امامت بلافصل حضرت علی (ع) بعد از پیامبر (ع) دلالت دارد و دانشمندان مکتب اهل بیت این آیه شریفه را قوی‌ترین و صریح‌ترین نص بر امامت و رهبری آن امام همام می‌دانند و از ابتدا به امامت آن امام همام بر آن استدلال می‌کردند و در مورد نزول این آیه شریفه در شان امام علی (ع) دانشمندان مکتب اهل بیت (ع) (حلی، ۱۴۱۱، ص ۱۷۲) و دانشمندان مکتب اهل سنت (تفتازانی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۷۰) ادعای اجماع نموده‌اند. عمده دیدگاه‌های مفسران فریقین در ارتباط با مفهوم ولایت در آیه شریفه به شرح ذیل می‌باشد:

#### ۱. بررسی معنای «ولی» در عرف جامعه عصر نزول آیه

خلیفه اول به منظور این که خلیفه دوم را جانشین خود کند، می‌گوید: «أنی قد ولیتُ علیکم عمر». «من عمر را بر شما «ولی» قرار دادم.» (طبری، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۴۲۹)

خلیفه دوم در مورد ابو عبیده و سالم مولی حذیفه می‌گوید: «لو کان ابو عبیده حیا، لولیته» یا «لو کان سالم مولی حذیفه حیا، لولیته.» «اگر ابو عبیده زنده بود، او را «ولی» قرار می‌دادم.» یا «اگر سالم مولی حذیفه زنده بود، او را «ولی» قرار می‌دادم.» (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۸۰ و ابن اثیر، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۴۶)

خلیفه دوم هنگام جان دادن می‌گوید: «لو أدرکت سالم مولی حذیفه حیا، لولیته و إستخلفته.» «اگر سالم غلام حذیفه زنده می‌بود او را به عنوان جانشین و خلیفه بر می‌گزیدم.» (طبری، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۳۳ و ابن اثیر، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۴۶)



در صحیح مسلم آمده که عباس و امیرالمؤمنین علیه السلام در ماجرای فدک، نزد عمر می روند. در آنجا خلیفه دوم می گوید: «فلما تُوِّفَى رسول الله صلى الله عليه وسلم قال أبوبكر أنا ولي رسول الله... ثم تُوِّفَى أبوبكر وأنا ولي رسول الله صلى الله عليه وسلم وولي أبي بكر». هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت ابوبکر گفت: من جانشین رسول خدا هستم... سپس هنگامی که ابوبکر از دنیا رفت من گفتم: من جانشین رسول خدا و ابوبکر هستم. (قشیری نیشابوری، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۱۳۷۸).

## ۲. منافات معنای محبت و نصرت با اختصاص داشتن مورد نزول آیه

مفسران معاصر اهل سنت گفته اند که در آیات قبل و بعد آیه ولایت، نیز واژه ولی بکار رفته است و چون در آن‌ها واژه ولی به معنی ناصر و محب می باشد، ولایت در این آیه نیز باید به مقتضای سیاق آیه به معنی نصرت (رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۴۴۱ و ابو زهره، بی تا، ج ۵، ص ۲۵۷) و محبت (مراغی، بی تا، ج ۶، ص ۱۴۳ و طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۳۷۷ و فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۲۸) باشد، چنانکه گفته شده است: «بل المراد به الناصر و المحب لان الولاية المنهى عنها فيما قبل هذه الآية و فيما بعدها هي بهذه المعنى، فكذلك الولاية المأمور بها» (دروزه، ۱۴۲۱، ج ۱۱، ص ۱۳۳ و فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۳۰)

«مقصود از ولی، ناصر و محب است، زیرا ولایتی که در قبل و بعد از این آیه ممنوع شده است به همین معنا می باشد، بنابراین ولایتی که در این آیه به آن دستور داده شده است نیز باید به همین معنا باشد.»

عده‌ای از مدعیان سیاق بر این باورند که آیات ۵۱ تا ۶۷ سوره مائده و عده‌ای دیگر از آیات ۵۱ تا ۵۶ این سوره با هم نازل شده است گرچه در زمان نزول آن اختلاف نظر دارند و اقوال آن‌ها را چنانکه طبری نقل کرده است به شرح زیر می‌باشد.

۱- این آیات بعد از جنگ بدر نازل شدند، ۲- بعد از جنگ بنی قینقاع نازل شدند، ۳- بعد از جنگ احد نازل شدند. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۳۷۱-۳۷۳).

#### بررسی:

۱- طبری بعد از نقل این آراء درباره‌شان نزول آیات یادشده چنین اظهار نظر می‌کند: ولم یصح بواحد من هذه الاقوال الثلاثة خبریثبت بمثله حجة» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۳۷۱-۳۷۳) هیچ یک از این آراء سند درستی ندارد که بتوان با آن مطلبی را ثابت کرد، بنابراین هیچ یک از اقوال سندی ندارد تا بتوان گفت آیه ولایت نیز در همین ارتباط نازل شده است و یا اینکه این آیات با هم نازل شده‌اند تا آیات سیاق پیدا کنند و برای فهم آیه باید سیاق را مورد توجه قرار داد.

۲- این اقوال و شأن نزول‌ها با تاریخ قطعی نیز سازگاری ندارد.

۳- قبلاً بیان شد که سیاق در صورتی ثابت می‌شود و قرینه می‌شود که احراز گردد که این آیات یکجا درباره یک موضوع نازل شده باشند و در غیر این صورت سیاق تحقق نخواهد یافت در آیه مورد بحث به دلالت قرائن داخلی و خارجی خلاف آن ثابت است.

۴- سیاق قرینه است و موجب ظهور است و توان مقاومت در مقابل روایات صحیح که فریقین آن را نقل کرده‌اند ندارد و در مقام تعارض بین ظهور و دلیل، دلیل مقدم است.

۵- اگر ولایت در آیه به معنی نصرت باشد با سیاق کلمات آیه ولایت سازگار نیست چون که کلمه (أَئِمَّا) برای حصر است و حکم را به مابعد خودش اختصاص می دهد و اگر ولایت به معنی نصرت باشد مفهوم أئِمَّا که به اتفاق علما و ادبا حصر است لغو خواهد شد چون که ولایت نصرت با توجه به ویژگی های که در آیه ذکر شده، اختصاص به گروهی خاص ندارد بلکه به مقتضای آیه شریفه: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (توبه / ۷۱) برای همه مؤمنان عام است و هیچ اختصاص به گروهی که دارای ویژگی های مذکور باشد نیست.

### ۳. عدم فعلیت ولایت برای علی (ع) در زمان نزول آیه

گفته اند: ظاهر آیه این است که ولایت برای آنان بالفعل ثابت است، در حالی که ولایت به معنی امامت و تصرف در امور برای علی (ع) پس رحلت پیامبر (ص) اثبات شده است نه پیش از آن. بنابراین حمل ولایت به معنی محبت بهتر از حمل آن به معنی تصرف می باشد. چنانکه گفته است: «أَنَا لَوْ حَمَلْنَا الْوَلَايَةَ عَلَى التَّصَرُّفِ وَالْإِمَامَةِ، لَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ الْمَذْكُورُونَ فِي الْآيَةِ مَوْصُوفِينَ بِالْوَلَايَةِ حَالِ نَزُولِ الْآيَةِ، لِأَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ مَا كَانَ نَافِذَ التَّصَرُّفِ حَالِ حَيَاةِ رَسُولِ (ص)، وَالْآيَةُ تَقْتَضِي كُونَ هَؤُلَاءِ الْمُؤَصِّفِينَ بِالْوَلَايَةِ فِي الْحَالِ...» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۲۷-۳۳ و آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۴۵۷-۴۵۸).

#### بررسی:

- آنچه از آیه به دست می آید، وجوب اطاعت از دارندگان ولایت و شایستگی حضرت علی (ع) برای امامت است و این در زمان حیات پیامبر (ص) حاصل بوده است. هر چند تصرفات، در امور موقوف به پس از وفات بوده است (طوسی، بی تا، ج

۳، ص ۵۶۳)، به عبارت دیگر قضیه در اینجا به شکل حقیقیه است نه خارجی، بنابراین، نظر به تحقق و عدم تحقق موضوع در خارج ندارد، پس فعلیت ولایت لازم نیست.

۲- «در سخنان روزمره و در تعبیرات ادبی بسیار دیده می‌شود اسم یا عنوانی به افرادی گفته می‌شود که آن را بالقوه دارند، مثلاً انسان در حال حیات خود وصیت می‌کند و کسی را به‌عنوان وصی خود و قیم اطفال خویش تعیین می‌نماید و از همان وقت عنوان وصی و قیم به آن شخص گفته می‌شود. در حالی که طرف هنوز زنده است و نمرده است» علاوه بر این روایاتی در مورد علی (ع) از طرق شیعه و سنی نقل شده است حسکانی از سلمان فارسی نقل می‌کند: فرمود: از پیامبر خدا شنیدم که فرمود: «ان وصی و خلیفی و خیر من اترک بعدی ینجز موعدی و یقضی دین علی ابن ابی طالب» (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۹۸) وصی و خلیفه من و بهترین کس بعد از من و کسی که وعده‌های من را وفا می‌کند و دین مرا ادا می‌کند علی ابن ابی طالب است.» و ده‌ها روایت دیگر که پیامبر اکرم (ص)، علی (ع) را وصی، خلیفه و ولی خود خطاب کرده در حالی که هیچ یک از این عناوین در زمان پیامبر اکرم (ص) نبوده، در قرآن مجید نیز این گونه تعبیرات دیده می‌شود، از جمله در موردی که حضرت زکریا (ع) از خداوند چنین تقاضا کرد: «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ» (مریم/ ۶-۵)

در حالی که مسلم است منظور از ولی سرپرستی بعد از مرگ او منظور بوده است و بسیاری از افراد جانشین خود را در حیات خود تعیین می‌کنند و از همان زمان نام جانشین بر او می‌گذارند با اینکه جنبه بالقوه دارد، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۲۳-۴۲۴) بنابراین کلمه (ولی) در قرآن و سنت عرف هم برای (ولی) بالقوه و هم برای (ولی) بالفعل اطلاق می‌شود.

۳- اینکه جمله ابتدایی آیه مورد بحث اسمیه است و «ولی» نیز صفت مشبّه که دلالت بر دوام دارد، بنابراین اثبات ولایت به گونه دوام است. و مؤید آن اینکه پیامبر (ص) در غزوه تبوک علی (ع) را به جانشینی خویش در مدینه گمارد و او را تا زمان وفات از این منصب عزل نکرد، پس این انتصاب شامل همه زمان‌ها و همه شئون خواهد بود. (حکیم باشی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۸).

### نتیجه

۱. ولایت در لغت به معنی قرار گرفتن چیزی در کنار چیزی دیگر به نحوی که فاصله‌ای در کار نباشد آمده است و به همین جهت در معانی قرب، تدبیر و سرپرستی، نصرت و محبت بکار می‌رود.
۲. ولایت در اصطلاح معانی مختلفی دارد البته تناسب با معانی لغوی کاملاً در همه مراعات شده است از جمله در اصطلاح قرآن و روایات ولایت به یک نحوه قربی که باعث مجوز تصرف، سلطه و مالکیت می‌شود، اطلاق می‌گردد.
۳. خداوند در قرآن تمام زحمات پیامبر (ص) را به ابلاغ ولایت تعلیق نموده است و عدم ابلاغ ولایت را به منزله عدم ابلاغ تمام رسالت دانسته است و این مطلب اهمیت جایگاه را روشن می‌کند.
۴. در روایات هم ولایت و امامت به‌عنوان، نظام دین، نظام مسلمین، عزت مؤمنین، ذلت کفار و منافقین و مهم‌ترین و افضل‌ترین پایه و اساس اسلام معرفی شده است.
۵. ولایت در قرآن کریم به دو قسم ولایت رحمانی و ولایت شیطانی تقسیم شده است، قرآن صاحبان ولایت شیطان را با دو عنوان: شیطان و طاغوت معرفی

کرده است. و مصداق کامل ولایت رحمانی ولایت الهی است و قرآن علاوه بر ولایت الهی سه نوع ولایت بشری را هم به رسمیت شناخته است که در حقیقت مراتب ولایت رحمانی است.

۶. ولایت رحمانی به دو تقسیم می‌شود: ولایت تکوینی و ولایت تشریحی هر کدام از آن دو مراتب و درجاتی دارند.

۷. با استناد به آیه «إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» و آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» تمام شئون ولایت تکوینی و تشریحی در مورد پیامبر (صلی الله علیه و آله) و معصومین (علیهم السلام) به اثبات می‌رسد.

۸. در باب آیه ولایت، بیشتر مفسران معاصر اهل سنت با الغای خصوصیت از مورد نزول آیه درباره تصدق انگشتر امام علی (ع) به نیازمند، به عمومیت مفاد آیه معتقدند. در کلام این گروه صراحتی در انکار روایات شأن نزول آیه نیست؛ بلکه گاهی با پذیرش این روایات آیه را بر مبنای آن‌ها تفسیر نموده‌اند، این گروه ولایت را به معنی نصرت و یا محبت گرفتند و رکوع را خضوع معنا کرده‌اند.

ولایتی که در قرآن و روایات به ائمه معصومین (ع) نسبت داده شده صرف رفاقت و محبت نیست بلکه همان قدرت ولایت و حاکمیت بر جمیع اطوار و عوالم بوده و هست. زمانی می‌توانیم خود را مطیع فرامین الهی و معتقد به ابعاد گوناگون توحید و خداپرستی بدانیم که به این ولایت مطلقه تکوینی و تشریحی معتقد و پایبند باشیم و لا غیر.

## منابع

### قرآن مجید

آشتیانی، میرزا احمد، (۱۳۶۳ ش) رساله الولاية، نشریه نور علم، شماره ۷.  
آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ ق) روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.  
ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۴۱۹ ق) اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت، دار الفکر.

ابن بطریق، یحیی، (۱۴۰۷) العمده، قم، جامعہ المدرسین، چاپ اول.  
ابن فارس، احمد، (۱۴۲۲ ق) معجم مقاییس اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی،  
چ ۱.

ابن کثیر، اسماعیل ابن عمر، (۱۴۱۵ ق) تفسیر القرآن العظیم، دار احیاء التراث العربی.

ابن منظور، (۱۴۰۵ ق) لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول  
ابو زهره، محمد، (بی تا) زهره التفاسیر، بیروت، دار الفکر.  
انصاری، مرتضی، (۱۴۱۸) مکاسب، قم، موسسه الهادی، چ اول.

ایجی، عبد الرحمن، (۱۴۱۲ ق) المواقف فی علم الکلام، قم نسل جوان  
تلماسی، عفیف الدین سلیمان، (بی تا) شرح منازل السائرین عبدالله انصاری، بی جا.  
جامی، عبدالرحمن، (۱۳۷۰ ش) نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص، تهران،  
مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ دوم.

جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۱ ش) امامت پژوهی، مشهد، دانشگاه علوم رضوی،

چ ۱.

جوادی آملی، عبد الله، (۱۳۷۹ ش) ولایت در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، چ اول.  
جوهری، اسماعیل ابن حماد، (۱۴۰۷ ق) الصحاح، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ  
۴.

حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، (۱۴۱۱ ق) شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران،  
وزاره الثقافه و الإرشاد الإسلامی، مؤسسه الطبع و النشر.

حکیم باشی، حسن، (۱۳۷۴ ش) سبب نزول آیه ولایت، پژوهش‌های قرآن، شماره  
۲، تابستان.

حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۱ ق) نهج الحق و كشف الصدق، قم: موسسه  
الهجرت

الخوری، سعید، (۱۳۷۴ ش) اقرب الموارد، تهران، انتشارات اسوه، چاپ اول.  
دروزه، محمد عزه، (۱۴۲۱ ق) التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول، لبنان-  
بیروت، دار الغرب الإسلامی، چاپ دوم.

راغب، اصفهانی، (۱۳۷۶ ش) مفردات الفاظ القرآن، تهران، انتشارات مرتضوی، چ  
۲.

رضا، محمد رشید، (۱۴۱۴ ق) تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت،  
دار المعرفة.

زمخشری، محمود ابن عمر، (۱۴۰۷ ق) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل،  
دارالکتب العربی.

سیوطی، جلال الدین، (۱۴۱۴ ق) الدر المنثور فی تفسیر المأثور، بیروت، دارالفکر.  
سیوطی، جلال الدین و جلال الدین المحلی (۱۴۱۶ ق) تفسیر الجلالین، بیروت،  
مؤسسه النور



شریف جرجانی، علی بن محمد، (۱۴۱۹ ق)، بیروت، دار الکتب العلمیه، چ اول.  
شیرازی، صدر المتألهین، (۱۳۸۷ ش) مفاتیح الغیب، مترجم: محمد خواجهوی،  
تهران.

صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۷ ق) توحید، بیروت، دارالمعرفه.  
طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۲۱ ق) المیزان فی تفسیر القرآن، قم: منشورات جماعه  
المدرسين فی الحوزه العلمیه، موسسه النشر الاسلامی، چ ششم.  
طبرسی، ابی منصور احمد بن علی، (۱۴۱۶ ق) الاحتجاج، تحقیق: شیخ بهادری،  
ابراهیم، هادی، محمد، تحت نظر: سبحانی، جعفر، قم، انتشارات اسوه، چاپ دوم.  
طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۵ ق) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق، گروهی  
از علماء و محققین، بیروت لبنان: موسسه الاعلمی للمطبوعات.  
طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ ق) جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)،  
بیروت، دارالمعرفه.  
طبری، محمد بن جریر، (۱۳۶۲ ش) تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران،  
نشر اساطیر، چاپ دوم.  
طوسی، محمد بن حسن، (بی تا) التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث  
العربی.

فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ق) التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار  
احیاء التراث العربی، چاپ سوم.

فیومی، احمد ابن محمد، (۱۴۰۵ ق) المصباح المنیر، قم، دارالهجره، چ اول.  
قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۱ ش) قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ  
ششم.

قرطبی، ابی عبد اللہ، (۱۴۰۵ ق) الجامع لأحكام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، (۱۴۲۱ ق) صحیح مسلم، بیروت، دار الفکر. قمی، ابوالحسن علی ابن ابراهیم، (۱۳۸۷ ق) تفسیر قمی، دارالکتاب للطباعة و النشر.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸ ق) اصول کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم.

مجلسی، محمد باقر، (۱۳۷۹ ش) مرآة العقول، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

مراغی، احمد مصطفی، (بی تا) تفسیر المراغی، لبنان- بیروت، دار الفکر.

مصطفوی، حسن، (۱۳۷۱ ش) التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ ش) تفسیر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الإسلامیه.